

# همنشینی احساس و ادراک

به مناسبت چاپ کتاب «خاله سوسکه کجا می‌ری؟» در ژاپن  
سیروس آقاخانی



عنوان کتاب: خاله سوسکه کجا

می‌ری؟

نویسنده: م. آزاد

تصویرگر: مرتضی زاهدی

ناشر: ماه ریز

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۱

شمارگان: نسخه ۳۰۰۰

تعداد صفحات: ۲۴ صفحه

بها: ۴۵۰ تومان

اواخر قرن نوزدهم و در آغاز قرن بیستم، هنر مدرن در روند طبیعی خود، به دوری از بازنمایی و وانهادن اشکال متعالی از هنر روی آورد. در آن زمان، شوق دیوانه‌واری به دست یافتن به سادگی کودکانه پدید آمده بود. این میل به سادگی و سرراستی که آگاهانه و ارادی بود، جبراً آن‌ها را به موضعی تناقض‌آمیز کشاند؛ چرا که کسی نمی‌تواند با اراده و خواست خود، بدوی و کودکانه کار کند. از گفته‌های هنرمندانی هم‌چون پل کله و پابلو پیکاسو، پیداست که یکی از چالش‌های آنان طی روند آفرینندگی، فائق آمدن بر این تناقض بود.

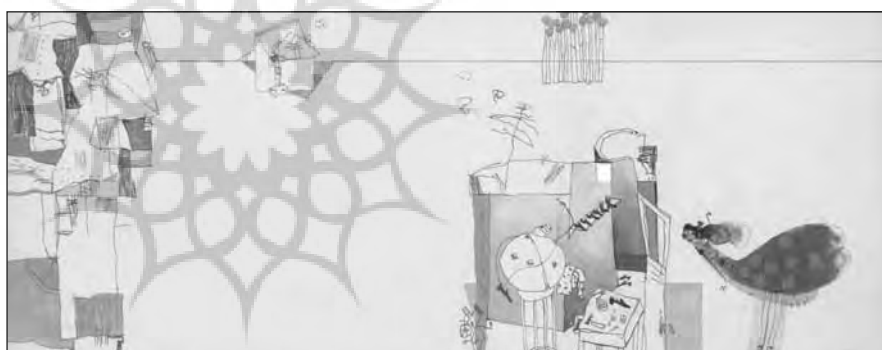
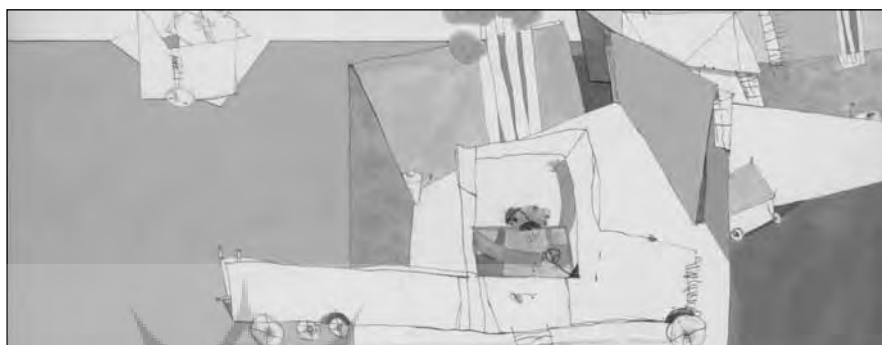
گروهی از تصویرگران کتاب کودک نیز به دلیل این که مخاطب‌شان کودک بود، دوری از بازنمایی و نمایشی ساده دلانه را راه حل مناسبی برای ایجاد ارتباط و همدلی با کودک می‌دیدند.

از این پس بود که آنان به آزمایشگری در عرصه سبک‌هایی هم‌چون سوررئالیسم، اکسپرسیونیسم، هنرخام (Art brut) و مایه‌های فولکلوریک در آثار خود دست زدند. وجه اشتراک تمامی این روش‌ها، دوری از رفتارهای عقلانی و تکیه بر خودانگیختگی (Automatism) و رجوع به ناخودآگاه فردی بود.

مرتضی زاهدی، از آن دسته تصویرگرانی است که تمایلات اکسپرسیونیستی در آثارش موج می‌زند؛ آن‌جا که با خطوط لرزان، اندام خاله سوسکه و موجودات دیگر را ترسیم می‌کند.

اما او به همان اندازه که به گرایش‌های خودانگیخته تمایل دارد، نگاهی ساختاری و عقلانی هم دارد. آوردن خطی قاطع برای نمایش زمین و آسمان و تکه‌تکه کردن‌های کوبیستی ساختمان‌ها، چالش‌هایی است سخت که نمایانگر روح جست‌وجوگر او در یافتن راه‌حلی بصری، برای آفریدن شخصیت‌ها و ایجاد ارتباط فضایی و ساختاری بین آن‌هاست.

اما او به همان اندازه  
 که به گرایشات  
 خودانگیخته تمایل  
 دارد، نگاهی ساختاری  
 و عقلانی هم دارد.  
 آوردن خطی قاطع  
 برای نمایش زمین  
 و آسمان و تکه تکه  
 کردن های کوبیستی  
 ساختمان ها،  
 چالش هایی است  
 سخت که نمایانگر  
 روح جست و جوگر  
 او در یافتن راه طی  
 بصری، برای  
 آفریدن شخصیت ها  
 و ایجاد ارتباط فضایی  
 و ساختاری بین  
 آنهاست



طولانی بودن متن  
 موجب گردیده  
 فضاهای فراخی که  
 زاهدی کوشیده  
 آن را حفظ کند،  
 در بسیاری موارد،  
 باعث شلوغی صفحات  
 و کثرت فرم شده و  
 بر سادگی فضای  
 تصویر،  
 تأثیر منفی  
 گذاشته است

او با تقسیم فضا به دو بخش نابرابر، محیطی فراخ و گسترده ایجاد می کند تا تصاویر هم چون واژگان، روی آنان قرار گیرند و این امر، ما را به یاد خط کشی های دفتر مشق و خط خطی کردن های کودکانه بیندازد. خطوط بیانی (expressive) و ساختمانی (Constructive) در نسبتی متعادل، هم نشینی دلنشین و فضایی کودکانه، با ساختاری محکم ایجاد کرده است.

اما زمانی که این هم نشینی به نفع کیفیات ساختمانی سنگینی می کند، فضا معشوش و موجب از بین رفتن سادگی فضا و گویایی و صراحت تصویر می گردد؛ آن گونه که در تصویر بازار، شاهد این زیاده روی هستیم. طولانی بودن متن موجب گردیده فضاهای فراخی که زاهدی کوشیده آن را حفظ کند، در بسیاری موارد، باعث شلوغی صفحات و کثرت فرم شده و بر سادگی فضای تصویر، تأثیر منفی گذاشته است. تصور کنید اگر هر یک از واژه های متن یک سوژه بود، آن وقت چه جنجالی در تصویر ایجاد می شد. این شاید یکی از معضلات ادبیات ماست که برای این گروه سنی، نتوانسته به خلاصه گویی روی آورد.

زاهدی با کاربرد خطوط مدادی و رنگ های تحلیل رونده که پیش از آن که به خطوط کناره نما (Contour) برسد، محو می شوند و گاهی هم این خطوط را به حال خود وا می گذارد، می خواهد بر دو بعدی بودن فضا تأکید کند. او با این ترفندها، ارتباطی تلطیف شده و پویا بین اشیا، موجودات و فضای اطراف برقرار می کند.

وی، تصویرسازی صاحب سبک و دارای روشی منحصر به فرد است. اگر در پاسخ به نیازهای درونی خود از یک طرف و نیازهای مخاطب خود یعنی کودک، تعادلی ایجاد کند، به نتایج ارزشمند بیشتری دست خواهد یافت.